

## باب دوم - ورود مبارک باستانبول

جمال مبارک در یکی از الواح میفرمایند :

“هو العزیز الباقی معلوم بوده که مسافران الی الله بعد از طی مراتب ما سواه بمحل معروف که مشهور باستانبول است نزول فرمودند و تا حال از اهل آن جز تعارفات رسمیه معروفه اثری مشهود نگشته تا بعد چه ظاهر شود و از خلف حجاب قضا چه امضاء گردد و لکن اشجار یابسه و ثلوج مجموده بسیار ملحوظ شد گویا این مدینه را از تلج بنا نهاده اند و در آن حرارت بیفسرد و برودت بیفزاید سمندر ناری شنیده شد که آتش علت و سبب ظهور او گشته من لدن حکیم خبیر و لکن سمندر تلجی مشهود نگشته بود و حال از بدایع صنع صانع حیوان تلجی بسیار ملاحظه شده تا بعد بیضای قدرت ربانی و ضیاء دست سبحانی چه اظهار فرماید و الكل مقبوض فی قبضته و معلق بارادته لا اله الا هو القادر القیوم و دیگر تا حال امری ظاهر نشده یعنی سخنی بمیان نیامد و بعد از گفتگو تفصیل ارسال میشود”